



تحلیل غزل «آتش دل» اثر حافظ با رویکرد شعرشناسی شناختی

سپهילה صادقی

دانشجوی دکتری مرکز تخصصی دکتری پیام نور تهران

poetryandtexts@gmail.com

حسین یزدانی

استادیار مرکز تخصصی دکتری پیام نور تهران

چکیده

این پژوهش، به تحلیل غزل آتش دل اثر حافظ با رویکرد شعرشناسی شناختی، براساس نظریات مارگریت فریمن (2002)، فوکونیه (2002) و ترنر (2005)، می پردازد. نظریه شعرشناسی شناختی بر زبان متون ادبی، ساختار کلی اثر و چینش واحدهای زبانی دلالت دارد و مبتنی بر استدلال قیاسی است. نظریه فوق، اثر ادبی را در سه سطح نگاشت ویژگی، نگاشت رابطه ای و نگاشت نظام بررسی می کند. نگاشت ویژگی؛ دریافت شباهت میان پدیده ها و عناصر در کلیت متن است. نگاشت رابطه؛ بررسی روابط میان پدیده ها از نظر علیت و مجاورت است و نگاشت. نظام؛ تناظر یک به یک عناصر مبدا با عناصر مقصد بر اساس رابطه علی است و به تشخیص یک الگوی دیداری منجر می شود و به این صورت یک ساختار مشخص بر ساختار انتزاعی دیگری نگاشت میشود. پرسش پژوهش اینست که آیا با رویکرد شعرشناسی شناختی می توان به نتیجه ای در خصوص نظام مند بودن ساختار کلی غزل حافظ دست یافت؟ و آیا مهارتهای عمومی نگاشت می توانند به عنوان نظریه ای مناسب، محدودیتهای تفسیرهای چندگانه متن را تعیین کنند؟ پژوهش حاضر، با بررسی فضاهای مفهومی در شعر و عملکرد آنها برای ساخت یک کل منسجم بر اساس نظریه شعرشناسی شناختی، به شناخت جهان متن غزل مورد بحث دست یافت و الگوهای مورد استفاده مؤلف برای ارائه جهان فکری اش را ترسیم نمود. و نظام مند بودن ساختار غزل مورد بحث را به اثبات رساند. نظامی منسجم که در آن آزادی و چرخش عشق یا مستی به وضوح دیده می شود و انعطاف ناپذیری و محدودیت و سکون عقل، خود را آشکار می سازد.

کلید واژگان: شعرشناسی شناختی، فضاهای مفهومی، حافظ، غزل آتش دل